

باغبان و نجار

دیدگاه‌های جدید علم روان‌شناسی رشد
در باب رابطه والدین و فرزندان

آلیسون گوپنیک

ترجمه

مریم برومندی

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۳۹۹

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه: تناقض‌های والد
۱۹	از تربیت تا والد بودن
۲۲	تناقض‌ها
۲۳	تناقض‌های دوست داشتن
۲۴	تناقض‌های یادگیری
۲۸	یگانگی دوران کودکی
۳۰	باغ کودک
۳۵	۱ در مخالفت با تربیت
۴۱	در ستایش بی‌نظمی
۴۵	ایده‌هایی که به جای ما می‌میرند
۴۶	کاویدن در برابر بهره‌برداری
۵۲	والدین حمایتی
۵۵	۲ تکامل کودکی
۵۵	دو تصویر
۶۰	فراتر از حوادث بداهه
۶۵	تناقض نابالغی


- ۷۲ یادگیری، فرهنگ و چرخه‌های بازخوردی
 ۷۶ تنوع‌پذیری: ناشناخته‌های غریب
 ۷۷ بازگشت به تربیت


- ۷۹ تکامل دوست داشتن ۳
 ۸۳ پیوند زناشویی: مسأله‌ای پیچیده
 ۹۱ تنوع عشق
 ۹۵ مادر بزرگ‌ها
 ۹۹ دگر والدها
 ۱۰۲ معمای تعهد
 ۱۰۹ ریشه‌های تعهد
 ۱۱۱ هزینه‌های تعهد
 ۱۱۳ عشق و تربیت


- ۱۱۵ یادگیری از طریق دیدن ۴
 ۱۱۸ بازیگران کوچک
 ۱۲۰ اسطوره‌نورون‌های آینه‌ای
 ۱۲۵ تولد تقلید
 ۱۲۶ یادگیری درباره جهان
 ۱۳۲ وقتی که بچه‌ها بهتر از بزرگسالان هستند
 ۱۳۵ تقلید افراطی
 ۱۳۹ مراسم
 ۱۴۳ تقلید در میان فرهنگ‌ها
 ۱۴۵ انجام دادن کارها با هم

- ۱۴۹ یادگیری از طریق گوش دادن ۵
 ۱۵۱ یادگیری از اظهارنظرها
 ۱۵۴ اطمینان داشتن به خود
 ۱۵۵ چه کسی را باور می‌کنید؟

۱۵۹	قصه‌گویی
۱۶۸	پرسش‌ها و توضیحات
۱۷۲	چرا بپرسیم چرا؟
۱۷۶	پرسش بنیادین
۱۸۶	اجازه دهید خودش کشف کند

۱۹۱	کارِ بازی 
۱۹۵	موش‌های شلوغ‌کار
۱۹۹	دست بردن به همه کار
۲۰۴	مهره‌های رنگی و پوپر
۲۰۸	ساختن ایمان
۲۱۰	بچه‌های نظریه‌بیزی
۲۱۶	انواع ذهنیت‌ها
۲۱۹	ربات‌های رقص
۲۲۲	فراتر از خانم‌ها و پشام

۲۲۹	بزرگ شدن 
۲۳۵	کارآموزی
۲۳۹	مهارت‌های مدرسه‌ای
۲۴۳	متفاوت فکر کردن
۲۴۶	اختلال کم‌توجهی
۲۵۰	مدرسه رفتن و یادگیری
۲۵۲	افراد در زمین بازی
۲۵۷	دو سیستم نوجوانی

۲۶۹	آینده و گذشته: بچه‌ها و فناوری 
۲۷۵	مغز مطالعه‌کننده
۲۸۱	دنیای صفحات نمایش
۲۸۴	بهشت و مکس دیوانه

۲۸۵	چرخ‌دنده فناوری
۲۹۰	شهر شبکه
۲۹۲	چه باید کرد؟
۲۹۵	ارزش بچه‌ها ۹
۳۰۳	علائق شخصی و سیاست عمومی
۳۰۴	تأمین هزینه‌ها
۳۱۱	پیر و جوان
۳۱۴	کار، بازی، هنر، دانش
۳۱۷	جمع‌بندی
۳۲۱	منابع

در مخالفت با تربیت

در اواخر قرن بیستم اتفاقی عجیب برای مادرها و پدرها و بچه‌ها افتاد. این اتفاق عجیب تربیت نامیده شد.

از زمان پیدایش جانوران، پدر و مادر و بچه‌ها هم وجود داشته‌اند. همچنین از زمانی که گونهٔ انسان خردمند^۱ به وجود آمده، مادر انسان، پدر انسان و نیز سایر انسان‌ها به‌طور خاص از بچه‌ها مراقبت کرده‌اند. قدمت واژه‌های «مادر»^۲ و «پدر»^۳ در زبان انگلیسی به اندازهٔ قدمت این زبان است و کلمهٔ «والد»^۴ حدوداً از قرن چهاردهم میلادی باب شد. این در حالی است که کلمهٔ «تربیت»^۵ که امروزه چنین رایج شده است، اولین بار در سال ۱۹۵۸ در آمریکا به کار رفت و تازه از دههٔ ۱۹۷۰ به بعد متداول شد.

ولی تربیت از کجا آمد؟ الگوی تربیت به‌طور ویژه به دلیل یک‌سری تغییرات اجتماعی مشخص که در قرن بیستم در آمریکا رخ داد نفوذ پیدا کرد. تغییراتی که باعث شد والد بودن و به‌خصوص والد شدن، بسیار متفاوت از چیزی شود که قبلاً بود. خانواده‌های کوچکتر، امکان جابه‌جایی بیشتر. افرادی که در سنین بالا برای نخستین بار پدر و مادر می‌شدند،

1. *Homo sapiens*

2. mother

3. father

4. parent

5. parenting

منحنی یادگیری را به شدت تغییر دادند. در بخش اعظم تاریخ بشر، افراد در خانواده‌های پرجمعیت، با تعداد زیادی بچه بزرگ می‌شدند. بیشتر والدین، قبل از اینکه بچه‌های خودشان را به دنیا بیاورند، تجربه زیادی در زمینه مراقبت از بچه‌ها کسب می‌کردند. آنها موقعیت‌های زیادی برای مشاهده زندگی دیگران داشتند. نه تنها زندگی پدر و مادر خودشان، بلکه زندگی پدربزرگ و مادربزرگ، عمو، دایی، عمه، خاله و پسرخاله‌ها و دخترخاله‌های بزرگتری را که بچه داشتند و از آنها نگهداری می‌کردند، می‌دیدند. امروزه این منابع دانایی و مهارتی تا حد زیادی از بین رفته‌اند، البته نه دقیقاً مثل یک متخصص. کتاب‌ها و وبسایت‌های راهنمای تربیت و سخنرانان این رشته محبوب شده‌اند، زیرا به نظر می‌رسد که این جای خالی را پُر کرده‌اند.

در حالی که خانواده‌ها کوچکتر و پراکنده‌تر شده‌اند و افراد دیرتر بچه‌دار می‌شوند، والدین طبقه متوسط زمان بیشتری را برای کار و تحصیل صرف می‌کنند. بیشتر والدین طبقه متوسط قبل از اینکه بچه‌دار شوند، سال‌های زیادی را صرف تحصیلات و پیشرفت شغلی می‌کنند. بنابراین عجیب نیست که دانشگاه رفتن و کار کردن الگوی امروزی والدین برای بچه‌داری است؛ شما با داشتن هدفی در ذهن، به دانشگاه و سر کار می‌روید و می‌توانید آموزش ببینید که چگونه در دانشگاه و محل کار عملکرد خود را بهبود ببخشید.

بنابراین محبوب شدن الگوی تربیت دلیل دارد. اما این الگوها با واقعیت علمی چندان سازگاری ندارند. از دیدگاه تکاملی، رابطه بین بچه‌های انسان و افراد بزرگسالی که از او مراقبت می‌کنند، بسیار مهم و اساسی است. در حقیقت، آنها بخش بسیار بزرگی از شخصیت ما را به‌عنوان انسان تعیین می‌کنند. اغلب توانایی‌های مهم و مشخص انسانی ما، توانایی ما برای یادگیری و نوآوری و سنت، فرهنگ و اخلاق، در روابط بین والدین و فرزندان ریشه دارند.

این روابط برای تکامل انسان اهمیتی بنیادین دارند. اما تصویری که از کلمه «تربیت» دریافت می‌شود، با این روابط و مفاهیم تفاوتی بنیادین دارد. والدین برای ساختن زندگی فرزندانشان طراحی نشده‌اند. بلکه والدین و سایر مراقبت‌کنندگان از بچه‌ها طراحی شده‌اند تا فضایی امن برای نسل آینده فراهم کنند و نسل جدید بتواند در آن به شیوه‌ای جدید فکر و عمل کند. این نحوه تفکر و زندگی چه بهتر و چه بدتر، با چیزی که ما قبلاً پیش‌بینی کرده‌ایم، کاملاً متفاوت است. این تصویری است که از زیست‌شناسی تکاملی و همین‌طور از پژوهش‌های تجربی و پرورش کودک برمی‌خیزد، مانند پژوهش‌هایی که من در آزمایشگاهم انجام می‌دهم.

نه اینکه والدین و مراقبت‌کنندگان، هیچ تأثیری روی بچه‌ها ندارند. بلکه برعکس، این تأثیر بسیار عمیق و ضروری است. فراهم آوردن محیطی امن و باثبات که به بچه‌ها اجازه بالیدن بدهد، مهم است، بدون اینکه به دشواری آن اشاره کنم. به هر حال، والد بودن حتی والد بد بودن، زمان و انرژی و توجهی بیشتر از آنچه برای سایر روابط انسانی نیاز هست، لازم دارد. من هر روز صبح به همسر صبح‌به‌خیر می‌گویم، کل روز او را تنها می‌گذارم، برایش شام درست می‌کنم، و آخر روز یک یا دو ساعت مهربانانه با او گفت‌وگو می‌کنم. او هم همین کارها را برای من انجام می‌دهد (البته به جای غذا پختن، آشپزخانه را تمیز می‌کند که دشوارتر از آشپزی است). با انجام این کارها من یک همسر خوب به حساب می‌آیم، اما اگر بخوام با بچه‌ام، چه بچه واقعی و چه بچه استعاری‌ام، به همین نحو برخورد کنم، کودک‌آزاری جنایت‌باری به حساب می‌آید. مراقبت بزرگسالان از بچه‌ها تنها بر روی زندگی آنها اثر دارد، بلکه بچه‌ها بدون این مراقبت‌ها اصلاً قادر به ادامه زندگی نخواهند بود.

اما پیدا کردن هرگونه رابطه موثق و تجربی بین تغییرات کوچکی که والدین ایجاد می‌کنند، تغییراتی که نقطه تمرکز تربیت هستند، و ویژگی‌هایی که در نتیجه این تغییرات در بزرگسالی بچه‌ها به وجود می‌آیند، بسیار دشوار